

مولای دیروز و هر روز

بحثی در حماسه‌های دینی
درباره علی (ع)
برای کودکان و نوجوانان

سیدعلی کاشفی خوانساری



«اگر از ادبیات فولکلوریک ایران دوبیتی‌های عاشقانه، سرودواره‌ها، بیاض‌های سخنوری، بعضی اشعار و روایت‌های دینی و پاره‌ای قصه‌های پهلوانی را جدا کنیم، چیزی جز ادبیات کودکان باز نخواهد ماند. می‌توانیم بگوییم قسمت اعظم آثار ادبی فولکلوریک ایران، متعلق به کودکان است و اگر ادبیات رسمی بیشتر از آن بزرگترهاست، ادبیات توده بیشتر به کوچکترها تعلق دارد.» همو در میان آثار ادب پارسی که «ارزش بازآفرینی برای نوجوانان امروز را دارند»، از «حماسه‌های دینی» مثل «جاودان‌نامه»^(۲)

این حرف که مخاطبان عمده و اصلی ادبیات عامیانه، کودکان بوده‌اند، حرف تازه‌ای نیست. معمولاً نظریه‌پردازان و مورخان ادبیات کودک، هرگاه که از پیشینه ادبیات کودک در این سرزمین سخن به میان آورده‌اند، از یادکرد ادبیات عامیانه غافل نمانده‌اند. هم‌چنین است درباره ادبیات حماسی و حماسه‌های دینی که در بسیاری از منابع نظری ادبیات کودک، از آنان به عنوان نخبیری که بیشتر به کار کودکان و نوجوانان می‌آمده و زین پس نیز استفاده و بازنویسی آن برای کودکان ممکن، شایسته و حتی بایسته است، یاد کرده‌اند. اما سخن این است که تا به حال، به این بخش از گنجینه ادب و فرهنگ پارسی کمتر عنایتی شده و دانسته و نادانسته از بررسی، تصحیح، احیا، نقد، یازنویسی و بازآفرینی آن، چه برای بزرگسالان و چه برای کودکان و نوجوانان، غفلت شده است. برای شاهد مدعا، مثال‌هایی از کتاب‌های نظری ادبیات کودک می‌آورم:

دکتر قدمعلی سرامی، در سال ۱۳۵۳ نوشت:^(۱)

۱. فصلنامه کانون ش ۲، مقاله سهم کودکان در ادبیات گذشته ایران ص ۲۲.

۲. تاکنون به حماسه‌ای به نام «جاودان‌نامه» برخورد نکرده‌ام. احتمالاً همان «خاوران‌نامه» بوده که دچار اغلاط چاپی شده. خاوران‌نامه یا خاورنامه، به جنگ‌های خیالی امیرالمؤمنین و مائک اشتر، در کشورهای شرقی و با عناصر فوق طبیعی می‌پردازد و سروده محمدبن حسام خوسنی است که سال ۸۳۰ هجری سروده و در تهران و تبریز و بمبئی و لاهور چاپ سنگی هم شده است.

کودکان و نوجوانان» که در فصلنامه گفت‌وگو به چاپ رسید، چنین می‌خوانیم: «عناصر فراوانی از این نوع ادبیات [ادبیات عامه] که دربرگیرنده بسیاری از قصه‌ها و مثل‌ها و منظومه‌های کوتاه است، بی‌هیچ تردیدی برای کودکان ساخته شده‌اند»^(۱۱)

با وجود همه مثال‌هایی که ذکر شد، آنچه در عمل شاهد آن هستیم، جای خالی حتی یک مورد بازنویسی حماسه‌های دینی ادب پارسی برای کودکان است.

صاحبقران‌نامه^(۱)، حمله حیدری، غزوانه اسیری^(۲)، شاهنامه حیرتی^(۳)، مختارنامه^(۴)، حمله راجی، خداوندنامه^(۵)، اردیبهشت‌نامه^(۶) و دلگشانامه^(۷) نام می‌برد. دکتر محمدجعفر محبوب نیز طی یک سخنرانی در سال ۱۳۵۶ بر این موضوع تأکید کرد و به تقسیم‌بندی انواع حماسه‌های دینی، اعم از خیالی و تاریخی و لزوم بازآفرینی آنان برای کودکان و فواید قصه‌های دینی پرداخت.^(۸) رضا رهگذر هم در کتاب «و اما بعد» نوشت: «اکثر قریب به اتفاق این قصه‌ها [قصه‌های عامیانه] به ظاهر، نه قهرمانانش کودک است، نه محور اصلی محتوای آنها روی مسائل خاص کودکان دور می‌زند و نه از برخی ویژگی‌های خاص که امروز، برای ادبیات کودکان و نوجوانان قائلند، برخوردارند. اما هم بچه‌ها و هم بزرگترها، آنها را می‌خوانند و یا می‌شنوند و لذت می‌برند»^(۹) مصطفی رحماندوست نیز در اشاره به سیر تاریخی ادبیات کودک در ایران، در بخش پس از اسلام می‌گوید: «قصه‌هایی که کودکان و نوجوانان و بزرگسالان از خواندن و شنیدن آنها لذت برده‌اند، از این جمله‌اند. قصه‌های تاریخی مثل مختارنامه و حمله حیدری و خاورنامه، صدیقه هاشمی‌نسب هم در کتاب «کودکان و ادبیات رسمی ایران» نوشت^(۱۰): «بررسی‌هایی که تاکنون در پاره‌ای از این آثار [متون حماسی] انجام پذیرفته، گویای این واقعیت است که ادبیات حماسی ایران، از مطالب و قصه‌هایی که کودکان و نوجوانان را به کار آید، آکنده است.» او هم از حماسه دینی در میان «موضوع‌ها و داستان‌های مطرح در ادب رسمی که می‌تواند دریا بنویسی [برای کودکان و نوجوانان] مورد استفاده قرار بگیرد»، نام می‌برد، اما در فهرست ۱۳۰ تایی ضمیمه کتابش، از بازنویسی‌های صورت گرفته از ادب پارسی برای کودکان، حتی یک مورد اثری از منظومه‌های حماسی دینی به چشم نمی‌آید. در مقاله «ادبیات

۱. صاحبقران‌نامه، درباره دلاوری‌های حضرت حمزه بن عبدالمطلب است. سال ۱۰۷۳ ق به نظم درآمده و ناظم آن معلوم نیست. جنبه تاریخی ندارد و شامل ۶۲ بخش است.
۲. غزوانه اسیری، در سال ۹۶۷ هجری و به نام سلطان سلیمان عثمانی سروده شده است.
۳. شاهنامه حیرتی، منظومه‌ای با بیست هزار و هشتصد بیت که در سال ۹۵۳ هجری سروده شده است.
۴. مختارنامه، سروده عبدالرزاق بیگ مفتون، در پنج هزار بیت. شاعر سال ۱۲۴۳ هجری فوت کرده است.
۵. خداوندنامه، سروده فتحعلی خان صبا، در زمان فتح‌میشاه، شامل ۱۲ هزار بیت.
۶. اردیبهشت‌نامه سروده سروش اصفهانی که در سال ۱۲۸۵ هجری با مرگ شاعر ناتمام مانده است. حدود ۹۰۰۰ بیت است و براساس حیات‌القلوب مجلسی ساخته شده است.
۷. دلگشانامه در شرح قیام مختار نئنی، از میرزا ترجمند آزاد کشمیری، سروده به سال ۱۱۳۱ هجری. برخی به اشتباه، این منظومه را به میرغلامعلی آزاد بلگرامی نسبت داده‌اند.
۸. انتخاب و انطباق منابع ادب فارسی، برای تدوین کتاب‌های کودکان و نوجوانان، محمدجعفر محبوب، از انتشارات شورای کتاب کودک، ۲۵۳۶، ص ۴۷.
۹. گلچهر، به کوشش حسین حداد، انتشارات قدبانی، ۱۳۷۱، ص ۱۲۳.
۱۰. کودکان و ادبیات رسمی ایران، انتشارات سروش، ۱۳۷۱، ص ۶۰.
۱۱. ادبیات کودکان و نوجوانان، محمود طاهر احمدی، فصلنامه گفت‌وگو، ش ۱۹، بهار ۷۷، ص ۷۸.

ایرانیان، با توجه به روح حماسی و آزادیخواه خود، همواره دوستدار ادب حماسی بوده‌اند و آن‌گاه که مشتاقانه به دین مبین اسلام مفتخر می‌شوند، به مرور شاهد خلق حماسه‌های دینی می‌شویم و همان‌گونه که ناگفته بدهی می‌نماید، بخش قابل توجهی از این منظومه‌ها به شرح دلآوری‌های محبوب قلوب ایرانیان، علی‌(ع) اختصاص می‌یابد. معروف‌ترین و مقبول‌ترین این حماسه‌ها تحت نام عام «حملة حیدری» خلق شده‌اند. حمله حیدری را بسیاری از ادب‌پژوهان، بزرگترین حماسه مذهبی فارسی دانسته‌اند.^(۱) نخستین حمله حیدری را میرزافریع باذل‌مشهدی^(۲) در حدود سال ۱۱۱۹ ق قمری سرود. او در شاهجهان‌آباد (دهلی) هندوستان به دنیا آمد و هم‌چون پدر و عموهایش، در حکومت مغولان هند به کار اداری مشغول بود. ابیات حمله حیدری باذل را بین ۲۰۰۰۰ تا ۹۰۰۰۰ بیت نوشته‌اند، اما بخش اصلی آن که سروده شخص باذل است، کمتر از ۳۰۰۰۰ بیت است و نسخه‌ای از آن که بنده به دست آورده‌ام، حدود ۲۴۰۰۰ بیت دارد. کتاب باذل، در وزن شاهنامه، در بحر متقارب و وزن مثنوی سروده شده و پس از مناجات و مدح معصومین(ع) از ولادت حضرت رسول(ص) آغاز می‌کند و تاریخ اسلام را تا کشته شدن عثمان پی می‌گیرد. کتاب باذل، در همین جا با مرگ او ناتمام مانده است. این کتاب به سرعت مشهور و محبوب و متداول می‌شود؛ به طوری که در عرض دو یا سه دهه از مرگ باذل، چندین نفر در ایران و هند به تکمیل کتاب او می‌پردازند^(۳) و شعرش به زبان‌های سندی، اردو و... ترجمه می‌شود.^(۴) استقبال عمومی از این کتاب، چنان بوده که به گفته مورخان در همان سال‌ها در امام‌بارها (حسینیه‌ها)ی هندوستان به عنوان روضه خوانده می‌شده است. استقبال از کتاب باذل در میان مردم ایران نیز چنان بوده است که تقریباً در کتابخانه

هر مسجد جامع یا مدرسه‌ای در هر شهر می‌توان نسخه‌ای از این کتاب یافت. مثلاً در جلد هشتم فهرست مشترک نسخه‌های خطی ۲۷ جلد کتاب کامل این منظومه ثبت شده است. منبع تاریخی باذل در این منظومه، کتاب «معارج النبوه فی مدارج الفتوه» نوشته معین مسکین فراهی، در قرن ده هجری بوده و در آن، بسیاری از احادیث مورد توجه قرار داشته است. باذل، خود توجه داشته که کتابش مورد استفاده کودکان و نوجوانان هم قرار خواهد گرفت. او در اوایل کتاب و در شرح چگونگی سرودن آن، از قول سروش غیبی به خود، چنین آورده است: «یکی داستانی درآور به نظم / بکن عزم خود را در این کار جزم / چنان داستانی که پیر و جوان / چنان داستانی که اهل جهان / وضع و شریف و امیر و وزیر / حکیم و فقیر و صغیر و کبیر...» پس از باذل، معروف‌ترین حمله حیدری، سروده راجی کرمانی^(۵) است که زردشتی بوده و مسلمان شده و این کتاب را سروده است. کتاب راجی، مستقل از کتاب باذل است و در عهد قاجار سروده شده. کتاب او هم از ابتدای تاریخ اسلام

۱. برای نمونه، نگاه کنید به «حملة حیدری یا بزرگترین حماسه مذهبی فارسی» نوشته حسین بهزادی اندوهجردی، نامه آستان قدس دوره ۸۰ ش ۴ (۱۳۴۹) ص ۷۴-۱۷۸.

۲. میرزا محمدرفع معروف به رفیع‌خان و متخلص به باذل مشهور به مشهدی، خراسانی، هروی، شاهجهان‌آبادی پدرش از مشهد به هندوستان مهاجرت کرده بود. او سال ۱۱۲۳ هجری در دهلی درگذشت.

۳. هم‌چون طالب فندرسکی، آزاد ارجمند کشمیری، شخصی به نام کرم، سیدعلی سیندبلگرامی.

۴. مثل حرب حیدری، از محمد نوروز حسن بلگرامی، از سید ذوالفقار علی‌صفا، هیبت حیدری از واجدعلی اخترشاه، از سیدابراز حسین، میرمحمدحسن علی‌خان سندی، غزوه حیدری از حیدر میرزا، غزوات حیدری از سیدمحمسن علی، غلبه حیدری از محمدمیرزبان تجلی علی‌شاه و...

۵. ملابمان‌علی کرمانی، متخلص به راجی که در عهد فتحعلیشاه قاجار زندگی می‌کرد.

علیپور، در کتاب آشنایی با ادبیات کودکان، در این باره نوشته است: «ادبیات عامیانه، عموماً در جوامعی که به حفظ سنت‌ها پایبندترند، بیشتر رواج دارد و اساساً ادبیات شفاهی در جوامع سنتی و به ویژه در روستاها بیشتر نمود دارد.»^(۲) چمبرز نیز در کتاب «قصه‌گویی و نمایش خلاق» در پایان فصل اول، به موضوع رکود داستان‌های شفاهی، بر اثر صنعت چاپ و افول قصه‌گویی در جهان پیشرفته امروز، اشاره دارد.^(۵)

۲. مدرن شدن تفکر و رواج عقل‌گرایی دکارتی و پوزیتیویسم که سبب شده بسیاری از باورهای بدیهی یک فرد سنتی، برای یک انسان مدرن موهوم و غیرقابل توجه باشد. به این ترتیب، چنین حماسه‌هایی با انگ خرافه و اغراق آمیز بودن، از طرف مردم کنار گذاشته شده است.
۳. رخت بریستن روح حماسی زندگی، این حماسه‌ها جزو ادبیات مردمی بوده که جهان و

شروع کرده و تا اواخر جنگ صفین ادامه یافته و آن‌جا با مرگ شاعر، ناتمام مانده است. البته، در میان کتاب، بارها به کربلا گریز زده شده است. هم‌چنین، در ابتدای هر داستان، به طور مجزا ساقی‌نامه و کشایش‌نامه و مدح امر او... آمده است. ابیات این کتاب را سی‌هزار بیت نوشته‌اند. اما نسخه‌ای از آن که در دسترس حقیر است، حدود ۲۸۰۰۰ بیت دارد. کتاب باذل و کتاب راجی، هر دو چاپ سنگی شده‌اند و مشهورترین حمله‌های حیدری هستند. با این حال، حداقل ده منظومه دیگر با این نام وجود دارد^(۱) و نسخه‌های آن در کتابخانه‌های مختلف ایران موجود است. به اینها باید چندین منظومه دیگری درباره امیرالمومنین که به نام‌های دیگر سروده شده‌اند، اضافه کرد.^(۲) با این همه حتی متخصصان هم کمتر از وجود آنها اطلاع داشته‌اند. دکتر محمدجعفر محبوب، در سخنرانی یادشده می‌گوید: «دو کتاب به این نام یکی از باذل هروی و یکی از بمانعلی کرمانی در دست است.» همین گفته را محمدرضا سرشار، در مقاله‌ای درباره قصه‌های تاریخی مذهبی عنوان کرده است.^(۳) دائرةالمعارف تشیع، جلد ۶ همین دو کتاب را احصا کرده و فرهنگ فارسی دکتر معین، در ذیل حمله حیدری، تنها کتاب راجی را نام می‌برد. در ادبیات کودک هم که وضع روشن‌تر است، تا به حال حتی یک مورد تصحیح، تلخیص، ساده‌نویسی و بازآفرینی از این حماسه‌ها صورت نگرفته است. در این‌جا این پرسش پیش می‌آید که علت این عدم اقبال و کم‌توجهی به این حماسه‌ها چه بوده است؟ دلایلی که به ذهن حقیر می‌رسد، از این قرار است:

۱. پایان عمر قصه‌گویی، به سبب مدرن شدن زندگی و جایگزین شدن رسانه‌های جمعی به جای قصه‌خوانی و نقل. در حقیقت، قصه‌خوانی از اولین مظاهر جامعه سنتی است که در جامعه مدرن یا شبه‌مدرن، دیگر از آن اثری نمی‌بینیم. منوچهر

۱. از طالسب اصفهانی فندرسکی، میرزاارجمند آزاد کشمیری، کرم یا کریم، سیدعلی سپید بلگرامی، گل احمد، فقیر قهدریجانی، عاشق هندی.
۲. غزوات امیرالمومنین از فصیح اصفهانی، فارغ‌نامه از فارغ‌گیلانی، غزوانه از قطره چهارمحالی، غزوه خیبر از عاصی رشتی اصفهانی، غزوات‌النبی سروده عبدی، خاوران‌نامه ابن حسام، شاهنامه حیرتی، غزوانه اسیری، مجمع‌البحرین اسیری، جنگ‌نامه آتشی، خداوندنامه ملک‌الشعرا صبا، صولت صفدری از محب‌علی خان حکمت، جذبه حیدری از عبدالعلی خان احسن بنگالی، شهنشاه‌نامه صافی اصفهانی، هفتخوان حیدری از عیانی، خلافت‌نامه خاموش یزدی، یعسوب‌نامه واقف، اردیبهشت‌نامه سروش اصفهانی، افتخارنامه افتخارالعلمای صهبا، خرم‌بهشت رضاقلی خان هدایت.
۳. داستان‌ها و افسانه‌های تاریخی مذهبی برای کودکان و نوجوانان، محمدرضا سرشار، پویش، ش ۱۶، بهار ۱۳۷۷، ص ۲۲۷.
۴. آشنایی با ادبیات کودکان، منوچهر علیپور، انتشارات فردوس، ۱۳۷۸، ص ۴۴.
۵. قصه‌گویی و نمایش خلاق، نوشته چمبرز دیویی، ترجمه ثریا قزل‌اباغ، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۶.

ایرانیان، با توجه به روح حماسی و آزادیخواه خود، همواره دوستدار ادب حماسی بوده‌اند و آن‌گاه که مشتاقانه به دین مبین اسلام مفتخر می‌شوند، به مرور شاهد خلق حماسه‌های دینی می‌شویم.

و خواه توسط شیعیان، نگاهی ایرانی به تاریخ اسلام و به ویژه به امیرالمومنین داشت و برخی علمای دین در طول تاریخ این نگاه را نمی‌پسندیدند. «در افسانه‌های حماسی روح بلند و آزادی‌طلب مردمی دیده می‌شود که همواره کوشیده‌اند زیر بار زور نروند و به هر وسیله دست افکنده‌اند تا موجودیت خویش را ثابت و حفظ کنند.»^(۲)

ب. پیوند قصه‌خوانی با تصوف. قصه‌خوانان در ایران و حتی سایر کشورهای اسلامی عمدتاً از صوفیان بوده‌اند.^(۳) بعضی علمای دین هم از آن‌جا که خود را تنها متولی امور دینی می‌دانسته‌اند، با هر گروهی که به نام دین در میان مردم محبوبیت یا قدرتی می‌یافته‌اند، مخالفت کرده‌اند؛ خواه قصه‌خوانان و خواه صوفیه، مناقب‌خوانان، روضه‌خوانان، قاریان، مساجدان، شاعران، تعزیه‌گردانان، معلمان اخلاق و حکمت و فلسفه که حوزوی نبودند، رمالان، دعا نویس و معبران و... این مخالفت به آن‌جا انجامید که در مقاطعی، کتاب‌های قصه را سوزاندند و قصه‌گویان را نفی بلد کردند و حتی حدیث آوردند که هر کس به قصه گوش دهد، چنان باشد که هویی چنان کرده.^(۴)

مناسبات آن را حماسی می‌دیدند، اما امروز با جایگزینی انفعال، غبن، منفعت‌اندیشی و نهان‌روشی، چنین آثاری مقبولیت کمتری دارند (درباره پیوند ادبیات حماسی با نگاه حماسی به هستی و زوال این نگرش در جامعه امروز ایران، یوسفعلی میرشکاک و اسماعیل شفیعی سروستانی، مقالات فراوانی دارند).

۴. درک نشدن ویژگی‌های ادبیات عوام از سوی ادیبان و هنرمندان و بی‌ارزش دانستن کلیه این منظومه‌ها از نظر معیارهای ادبی و هنری. هر جا که صحبت از این منظومه‌ها به میان آمده، گفته شده که از نظر ادبی سست و فاقد ارزش‌اند.

۵. نادیده گرفته شدن در دوران رونق احیای متون در زمان پهلوی اول. در زمان پهلوی اول و کمی پیش از آن که احیای متون و تصحیح میراث ادبی باب شد و به نحو اعجاب‌برانگیزی این بخش فربه از میراث ادبی نادیده گرفته شد و حتی یک کتاب (حتی کتاب‌های بسیار معروف مثل خاوران‌نامه و رموز حمزه) تصحیح و احیا نشد. این امر خود علت‌های مختلفی داشت؛ از جمله خصومت حکومت با اسلام، بی‌ارزش دانستن از نظر ادبی، عقل‌گرایی شدید در بین دانشگاہیان و خرافه و بی‌ارزش دانستن این منظومه‌ها و کم‌توجهی شرق‌شناسان به این دسته از آثار. حتی در دوران پهلوی دوم که فضا از نظر مذهبی بازتر شد، اگر گه‌گاه ادیبی صحبتی از این حماسه‌ها می‌کرد، مورد انتقاد واقع می‌شد.^(۱)

۶. مخالفت برخی علمای دین با این قصه‌ها که خود دلایل مختلف داشت:

الف. روح ایرانی حاکم بر این حماسه‌ها. این حماسه‌ها خواه توسط اهل سنت سروده شده بود

۱. برای نمونه، نگاه کنید به مقاله «دفاع از قصه حمزه» نوشته جعفر شعار، مجله راهم‌ای کتاب دوره ۱۵ (۱۳۵۱) ص ۴۷۵-۴۸۱.
 ۲. گذری در ادبیات کودکان، توران میرهادی و لیلی ایمن و مهدخت دولت‌آبادی، شورای کتاب کودک، چاپ سوم ۲۵۳۵، ص ۲۰.
 ۳. نگاه کنید به کتاب‌های درباره تصوف، نوشته عبدالحسین زرین‌کوب و قصه‌خوانان، نوشته رسول جعفریان.
 ۴. قصه‌خوانان در تاریخ اسلام، رسول جعفریان، ص ۱۴۸.

این حماسه‌ها خواه توسط اهل سنت سروده شده بود و خواه توسط شیعیان، نگاهی ایرانی به تاریخ اسلام و به ویژه به امیرالمومنین داشت و برخی علمای دین در طول تاریخ این نگاه را نمی‌پسندیدند.

البته، عمده مخالفت تاریخی علما با قصه‌خوانان چه پیش از صفویه و چه در آن دوران و بعد از آن، بیشتر با کتاب‌های مثل ابومسلم‌نامه‌ها و حمزه‌نامه‌های مختلف و یا منظومه‌های افسانه‌گون در باره عاشورا بوده و بنده سندی درباره مخالفت علما با حمله حیدری‌ها نیافتیم. البته، ممکن است با بدبینی گفته شود حمله حیدری کتابی بوده که با حمایت پنهانی علما و پادشاهان صفویه، به عنوان جایگزین مختارنامه‌ها و حمزه‌نامه‌ها و خاوران‌نامه و... سروده شده، اما این فرض صحیح نیست؛ چرا که اولاً برخی علما به‌طور کلی با قصه‌خوانی مخالف بوده‌اند و نه با کتابی خاص؛ هر چند با اشخاصی مثل ابومسلم، محمد حنفیه و مختار مخالفت بیشتری داشته‌اند و دوم این که اولین جمله‌های حیدری، خارج از مرزهای صفویه و در هندوستان آفریده شده و به مرور و، به شکلی مردمی در شهرهای ایران رواج یافته است. در

نماز، فواید پزشکی یافتند و برای حج، دلایل اقتصادی آوردند و زخم زبان و چشم‌زدن را با فیزیک و روان‌شناسی توجیه کردند و بسیاری از باورهای سنتی را بی‌اساس دانستند. این جریان، در میان برخی عالمان و نویسندگان مذهبی شیعه هم نفوذ یافت و فی‌المثل، امروز می‌بینیم حلیه‌المتقین و کتاب سلیم بن قیس و کتاب‌های ختوم و اذکار و جفر و کلیه متون صوفیانه، تقریباً منسوخ شده و قرائت غالب از دین، قرائتی سیاسی، اجتماعی و دنیوی است.

۷. دلیل دیگری که خاص حیطه ادبیات کودک و نوجوان است، این که سیطره تعلیم و تربیت غربی و آکادمیک، سبب شد که فرض کنیم برای بچه‌ها معجزه ثقیل است، معراج را نمی‌فهمند، فرشته را نمی‌شناسند، از اجنه می‌ترسند، از جنگ برای‌شان نباید گفت و...

اواخر قاجار، علما نسبت به حمله حیدری خوشبین‌تر بودند. مثلاً کتاب «افتخارنامه حیدری» توسط میرزا مصطفی پسر ۲۰ ساله آیت‌الله العظمی میرزا حسن مجتهد آشتیانی سروده شد که بعداً خود او به افتخارالعلما مشهور شد. در این کتاب، هم‌چنین علاوه بر مدح ناصرالدین شاه و امین‌السلطان، مدح آیت‌الله العظمی میرزا محمدحسن شیرازی هم آمده است.

۱. احیای اسنادی تاریخی - جامعه‌شناختی در باره پیشینیان ما. متونی که پدران ما با آنها زندگی می‌کردند و آینه‌ای از نگرش و باورهای آنان است.

۲. احیای متون ادبی. بخش عمده‌ای از کلیه فهرست‌های مخطوطات فارسی، به حماسه‌های دینی اختصاص دارد و به این ترتیب، گوشه‌ای مفعول از ادبیات فارسی باز یافته می‌شود.

۳. احیای اسنادی ارزشمند از پیشینه قصه‌گویی و هنرهای نمایشی در ایران.

ج. کوشش در جهت عقلائی کردن و خرافه‌زدایی از دین که آن هم ناشی از ایراداتی بود که جامعه مدرن و روشنفکران به دین وارد می‌ساختند. جریان‌های پروتستان‌تیزم اسلامی که مهم‌ترین آن «وهابیت» بود، سعی در عاقلانه‌کردن، علمی کردن، غیب‌زدایی و زمینی کردن دین داشتند. آنها برای

حمله حیدری را بسیاری از ادب‌پژوهان، بزرگترین حماسه مذهبی فارسی دانسته‌اند.

منابع

۱. حماسه‌سرایی در ایران، ذبیح‌اله صفا، امیرکبیر، چاپ چهارم ۱۳۶۳.
۲. فهرست کتب خطی کتابخانه آستان قدس رضوی، ج ۷، احمد گلچین معانی، ۱۳۴۶.
۳. دانشنامه جهان اسلام، ج ۱، زیر نظر مصطفی میرسلیم، ۱۳۷۵.
۴. فهرست‌واره کتاب‌های فارسی، ج ۳، احمد منزوی.
۵. دائرةالمعارف تشیع، ج ۶.
۶. ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری، ترجمه: یو. ا. بوگل، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۲.
۷. افتخارنامه، نسخه سنگی شماره A1199 دانشگاه تهران.
۸. فهرست نسخ خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۱.
۹. فهرست کتاب‌های چاپی فارسی، خان‌بابا مشار، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۰. فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، احمد منزوی.
۱۱. فهرست مقالات فارسی، ایرج افشار، ۵ جلد.
۱۲. ریحانة‌الادب، مدرس تبریزی، ج ۴.
۱۳. حمله حیدری راجی کرمانی، به کوشش حسین بهزادی اندوهجردی، نشر صدوق، ۱۳۷۰.
۱۴. کتاب مستطاب حمله حیدری، کتابفروشی اسلامیة، به سرمایه سیداحمد کتابچی (چاپ سربی).
۱۵. حمله حیدری در مناقب علی، کتابفروشی اسلام، چاپ سنگی.
۱۶. کلیات حمله حیدری، کتابفروشی اسلام، چاپ سربی.

۴. ایجاد پیوند میان نسل‌ها و ایجاد پیوند تاریخی با احساس تعلق خاطر به متونی که گذشتگان با آن زندگی می‌کرده‌اند، در مقابله با از خودباختگی فرهنگی.
۵. آموزش تاریخ و عقاید اسلام، به شیوه‌ای نو و تجربه نشده؛ در کنار متون و شیوه‌های کلیشه‌ای، نخ‌نما شده و دافعه فعلی.
۶. ارائه برداشت و قرائت نسبتاً متفاوتی از دین، در شرایطی که ظاهراً قرائت حاکم و موجود، چندان در جذب نسل جدید توفیق نداشته است.
۷. ترویج نگاه حماسی، ولایی و عرفانی که در طول تاریخ مشخصه ملی ایرانیان بوده و امروز رنگ باخته است و سستی، خمودی، نهان‌روشی، عاقبت‌اندیشی و انفعال جای آن را گرفته است.
۸. ارائه متونی که به دلیل غلظت عنصر هیجان و ماجرا در آن، برای نوجوانان جذاب خواهد بود و در جذب آنان به دین و همچنین ادبیات فارسی مؤثر است.
۹. این کتاب‌ها می‌تواند قشر کاملاً سنتی و مذهبی جامعه را که تاکنون چندان به کتابخوانی جذب نشده، ترغیب کند.
۱۰. قدرشناسی و تعظیم شاعران گمنام و پاک‌باخته‌ای که در ترویج معارف آل (ع) کوشیده‌اند.
۱۱. آشنا ساختن نسل جوان با ابعاد تازه و جذابی از شخصیت مولای (ع) که تاکنون چندان معرفی نشده است.
۱۲. در شرایطی که کتاب‌های جنگی موجود، به دلیل تکرار و لحن شعاری، جذابیت خود را از دست داده‌اند، چنین حماسه‌هایی روحیه سلحشوری و جنگاوری را در میان جوانان حفظ می‌کند، بی‌آنکه به نفرت قومی میان دو کشور همسایه بینجامد.